

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وېر زنده پک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

لوموند دیپلماتیک

انقلاب ها چگونه متولد می شوند

ژئوپولتیک جوشش اجتماعی

نوشته Michael KLARE

May 2009

انقلاب، شبجی با اینهمه چشم انتظار، بنظر می رسد در افق بسته عاشقانش زین پس، در گورستان تاریخ آرمیده باشد. با اینهمه علی رغم تلاش های ناکام برای دمیدن حیات مجدد به کالبد آن، امید عظیم به آنکه یک روز همه چیز تغییر یابد، وجدان عمومی را صیقل می دهد و از سلسله وقایع زانیده می شود. این خط سرخ که مانند ماری از ورای قرن ها و قاره ها عبور کرده، در واقع هرگز متوقف نشده است. جنبش گارگری، آزادی زنان و تمام ستمدیدگان، جنبش های رهائی بخش ملی، و اکنون آیا شاهد نوشته شدن فصل تازه ای هستیم؟ خشم عمومی بوجود آمده از بحران اقتصادی، مفسرین محافظه کار را نگران کرده است. با وقوف به آنکه الگوی ایدئولوژیک شان درهم پاشیده، آنها بانگرانی نشانه های نارضایتی عمومی را دنبال می کنند: کارگران فرانسه، بیکاران چین، تظاهرنندگان لیتوانیایی آیا جهان دیگری در راه است؟ بهرحال، حرکت جنون آمیز سرمایه داری، در جهانی که ما می شناسیم ترک ایجاد کرده است.

مدتها پیش از آنکه بحران اقتصادی کنونی در سپتامبر ۲۰۰۸ به اوج خود برسد، ناآرامی های محلی نقاط مختلف جهان، آثار یک توفان نزدیک شونده را آشکار ساخته بود. بالا رفتن بیسابقه ی قیمت بسیاری از نیازهای همگانی و به موازات آن نزول درآمد ها، باعث شورش ها و اعتراضات فراوانی در کشورهای مختلف جهان در بهار سال ۲۰۰۸ گشت. این اعتراضات تنها در آستانه ی بروز بحران اقتصادی و نزول قیمتها رو به کاهش نهاد.

بروز ناآرامی ها و شورش های مختلف به عوامل زیادی بستگی دارد و یک نگاه ساده به جهان کنونی، وجود شکاف های قومی، طبقاتی، و زبانی میان جوامع مختلف و روابط تلخ میان آنها را تایید می کند. علاوه بر این، رشد اقتصادی حاصله از گلوبالیزاسیون و سهولت دریافت وام و اعتبار های مالی در دهه ۱۹۹۰ و اوائل ۲۰۰۰، شامل حال تمام کشور ها و ملت ها نشد و به بسیاری از مناطق فقر زده راه نیافت. همین مشکلات سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی، جامعه ی جهانی حتی پیش از وارد آمدن ضربه ی اقتصادی بر آن در سپتامبر ۲۰۰۸، جهان را دچار شکاف هایی کرده بود. اما شدت بیسابقه ی این بحران و تاثیرات همه جانبه ی آن بر زندگی و اقتصاد و گذران میلیونها مردم جهان باعث باز شدن هرچه بیشتر همین شکاف ها و بروز شورش های خشونت بار شد؛ درست بمانند فشاری که لایه های تکتونیک زمین در امتداد گسل ها بر یکدیگر وارد ساخته و موجب زلزله می شوند.

افزایش شدید شورش ها و اعتراضات در سال گذشته، نقش زمین لرزه های کوچک پیش از زلزله ی اصلی را بازی می کردند و پیش درآمد بحران اقتصادی کنونی بشمار می آمدند. بارزترین این اعتراضات، شورش گرسنگان علیه بالا رفتن قیمت مواد غذایی در بیش از ۱۰ کشور جهان بود. به عنوان نمونه می توان به شورش های مردم در کشورهای بنگلادش، کامرون، ساحل عاج، مصر، اتیوپی، هائیتی، هندوستان، اندونزی، اردن، مراکش، و سنگال اشاره کرد.(۱)

شورش مردم هائیتی از خشونت بارترین آنها محسوب می شد که در آن هزاران نفر به کاخ ریاست جمهوری در «پورت او پرنس» هجوم آوردند و خواستار یارانه های خوراکی شدند ؛ هرچند که در مقابل نیروهای دولتی و سازمان ملل مجبور به عقب نشینی شدند. آنسوئر در شورش های شهر لیکای، چهار نفر بدست نیروهای سازمان ملل به قتل رسیدند. به دلیل همین شورش ها بود که ژاک-ادوارد-الکسی، نخست وزیر هائیتی مجبور به استعفا شد.

زمان آن رسیده که در افکار خود تجدید نظر کنید

شورش های گرسنگان در ماه های آوریل و مه ۲۰۰۸ هرچند ارتباط مستقیم با بحران اقتصادی سپتامبر ۲۰۰۸ نداشتند اما می بایست همچون اولین نشانه های مشکلی که هرچه بیشتر نزدیک می شود، و برملا گر کاستی ها و اشکالات اقتصاد جهانی تلقی شوند.

در فاصله ی بهار سال ۲۰۰۷ تا بهار ۲۰۰۸ قیمت مواد غذایی در جهان به دو برابر رسید و صدها میلیون نفر مردم فقیر سراسر جهان، و آنانی را که مجبورند بخش بالایی از درآمد خود را صرف خرید خوراک کنند دچار مشکل ساخت. بانک جهانی دو چیز را عامل بالا رفتن یکباره ی قیمت مواد غذایی و شورش های همراه آن شناخت: اول بالا رفتن قیمت نفت و گاز—که تمام کارهای کشاورزی و تولید کودهای شیمیایی به آن بستگی دارد—و دوم تخصیص زمین های وسیع کشاورزی به کاشتن محصولاتی که برای تهیه سوخت گیاهی اتوموبیل بکار می رود بجای محصولات کشاورزی مورد نیاز خوراکی مردم.(۲)

این پدیده ی خاص بازار مایحتاج عمومی از یک نظر معادل چیزی بود که در بازار مستغلات و اعتبارات مالی در ایالات متحده بوقوع پیوسته بود؛ یعنی بالارفتن بی رویه اما غیر قابل دوام قیمت ها، تنها و تنها به دلیل مظنه های غیرواقعی و پیش بینی رشد توقف ناپذیر اقتصاد در سالهای آینده. با رشد هرچه بیشتر ترابری و تقاضا برای سوخت، دیگر سود آور تر بود که زمین های کشاورزی بیشتری به صنعت سوخت گیاهی تخصیص داده شود. از سوی دیگر بالا رفتن روزانه ی قیمت ها، سرمایه داران را به طمع می انداخت که به دنبال سود بیشتر به احتکار مواد غذایی بپردازند. نتیجه همانطور که انتظار می رفت اپیدمی خشونت، و شورش مردم گرسنه یی بود که داشتند قدرت خرید خود را روز بروز بیشتر از دست می دادند.

شورش گرسنگان در سال ۲۰۰۸ منشاء نگرانی عمیق دست اندرکاران شد و خیزش های عمومی را وعده می داد که در گذشته باعث سقوط دولت ها شده بود. پی.جی. پاترسون نخست وزیر سابق جامائیکا در کنفرانس کشورهای جی-۷۷ در آوریل سال ۲۰۰۸ در آنتیگا چنین اظهار نظر کرد: «خیزش های آینده ی نزدیک عواقب آبی و ملموس بدنبال خواهد داشت. از آنهایی که تصور می کنند از شورش هایی که بزودی به انقلاب منجر خواهد شد مصون هستند خواهش می کنم در افکار خود تجدید نظر کنند.»(۳)

چنانچه سیر صعودی قیمت محصولات کشاورزی ادامه می یافت، احتمالاً پیش بینی پاترسون و تبدیل شورش ها به انقلابات درست در می آمد. اما چند ماه بعد که بحران اقتصادی به اوج خود رسید قیمت نفت و بدنبال آن قیمت محصولات کشاورزی سقوط اساسی کرد و در نتیجه جلوی بروز شورش های بیشتر بر سر بهای مایحتاج عمومی گرفته شد. در حالیکه ناآرامی های جمعی بر سر گرانی خوراکی تنها یکی از وجوه خشونت بار هرج و مرج اقتصادی بود که در سال ۲۰۰۸ خود را نمایان ساخت. همزمان با وخامت بیشتر شرایط اقتصادی، تظاهرات و شورش علیه ازدیاد بیکاری، بی لیاقتی دولت، و بی توجهی به نیازهای توده های فقیر، در سراسر جهان شدت گرفت.

این ناآرامی ها، همانند اعتراضات دیگری که علیه قیمت بالای مواد غذایی صورت می گرفت، انعکاسی از معضلات ریشه داری نظیر فقر مزمن، دیوارهای محکم میان طبقاتی، تبعیضات نژادی و امثال آن بود، که با آثار منفی رکود اقتصادی در سطح جهانی همراه شده بود. در همانحالی که مردم گروه گروه کار های خود را از دست می دادند و یا زیر ضربات سخت اقتصادی قرار می گرفتند، خشم خود را بر سر دولت ها و شرکت های بزرگ و کسان دیگری می

ریختند که از نظر آنان مسئول این نزول وضعیت تلقی می شدند. این تظاهرات عموماً به زد و خورد با نیروهای مسلح پلیس و شبه نظامی می انجامید و همراهی نیروهای انتظامی با دولت، غالباً آنها را نیز هدف حملات مردم خشمگین ساخته بود.

بطور نمونه، در طول سال ۲۰۰۸ زد و خورد های فراوانی در نواحی مختلف هندوستان صورت گرفت. هرچند چنین زد و خورد هایی را معمولاً به دعوای قومی و مذهبی و مربوط به کاست نسبت می دادند اما انگیزه های این شورش ها عموماً نگرانی های مالی و این تصور و احساس فراگیر بود که گروه مخالف از مواهب بیشتری برخوردار بوده و اوضاع بهتری دارد. گناه شورش های سخت شش روزه ای آوریل ۲۰۰۸ در بخش هندوستانی کشمیر به گردن دشمنی اکثریت مسلمان کشمیر و دولت عمدتاً هندوی آن انداخته شد، اما تبعیضات شغلی، مسکن، و حقوق نابرابر استفاده از زمین که بر بسیاری از مسلمانان کشمیر تحمیل می شود به همان اندازه در این جریان نقش داشت. بعدها نیز در ماه مه هزاران نفر از چوپانان متعلق به ایل گوجار به سد کردن راه آهن و جاده هایی که به شهر آگرا و تاج محل منتهی می شود دست زدند و از آن طریق حقوق اقتصادی خود را مطالبه کردند. در اثر تیراندازی نیروهای پلیس به جمعیت، ۳۰ نفر در این جریان بقتل رسیدند. در ماه اکتبر نیز شورش هایی که منشاء اقتصادی داشت ایالت آسام در شمال شرقی کشور را در خود فرو برد. در آنجا مردم فقیر محلی بر علیه هجوم مهاجرین غیرقانونی بنگلادشی ای بر خاسته بودند که از خود آنها نیز فقیر تر بودند. (۴)

زد و خورد های ناشی از مشکلات اقتصادی، در سال ۲۰۰۸ به بخش وسیعی از شرق چین نیز سرایت کرد. منشاء چنین نزاع هایی، که از سوی مقامات چینی «حوادث توده‌یی» خوانده می شود، عموماً تعطیلی ناگهانی کارخانه ها، حقوق های پرداخت نشده، و یا تصرف غیرقانونی زمینهاست. افزایش «حوادث توده‌یی» در چین، درست بمانند انفجار خشم مردم در هندوستان، نشان دهنده وجود زمینه های از پیش آماده توأم با اثرات ناخوشایند نزول جهانی اوضاع اقتصادی است. مهمترین و ریشه دار ترین عامل این ناآرامی ها در چین، عدم تناسب چشمگیر میان ثروت ها و درآمد های طبقه متوسط شهری و فرودستان روستایی است. در دوران شکوفایی اقتصادی گذشته، کارگران فقیر روستایی این امکان را داشتند که به شهر ها مهاجرت کرده و در کارخانه هایی که تولیدشان به بازار های خارجی صادر می شد به کار بپردازند. اما امروز با سقوط یکباره حجم صادرات، بسیاری از کارخانه ها تعطیل شده و حدود ۲۰ میلیون کارگر شغل های خود را از دست داده‌اند. در بسیاری موارد صاحبان این کارخانه ها بدون اطلاع قبلی درهای کارخانه را بسته و پس از بالا کشیدن حقوق عقب مانده کارگران ناپدید می شوند. همین به نوبه خود باعث اعتراضات و زد و خورد های خودجوش و ناگهانی کارگران می شود. (۵)

در دسامبر سال ۲۰۰۸ و همزمان با رسیدن بحران اقتصادی به اوج کامل خود، مرکز اعتراضات و شورش ها از کشور های در حال توسعه به اروپای غربی و روسیه منتقل شد. انگیزه ی اعتراضاتی که در این مناطق صورت می گرفت هراس مردم از بیکاری های دراز مدت، انزجار از قانون شکنی ها و بی لیاقتی های دولت، و چنین احساسی بود که «سیستم»، صرفنظر از تعریف آن، قادر به ارضای نیازها و اهداف و آمال اکثریت مردم نیست.

ناآرامی های گسترده‌یی که در آتن بوقوع پیوست از اولین نمونه های موج جدید شورش ها بود. این ناآرامی ها در ۶ دسامبر ۲۰۰۸ بدنبال کشته شدن یک دانش آموز بدست پلیس، در یکی از محلات شلوغ آتن و بدنبال یک بگومگوی ساده، آغاز شد. این تظاهرات، به رغم پوزش مقامات دولتی و متهم نمودن پلیس مسئول حادثه به قتل، شش روز دیگر ادامه یافت و آتن و شهر های بزرگ دیگر را در خود فرو برد.

هرچند که دلیل ناآرامی های آتن خشم مردم علیه حضور خشونت بار پلیس در پاتوق های جوانان بود، اما در عین حال انعکاسی از نوسازی عمیق تمام جوانان، حتی دانشگاه رفته ها، از اقتصاد و آینده تلقی می شد. جوانان تظاهر کننده در واقع از آن راه به نشان دادن خشم و درماندگی و ناتوانی خود در مقابل مشکل کمبود کار، نظام غیر کارآمد آموزشی، سیستم خشک و نفوذ ناپذیر طبقاتی، و فساد دولتی می پرداختند. (۶) یکی از تظاهر کنندگان می گفت، مرگ این نوجوان فرصتی بود برای طرح این معضلات، و توضیح می داد که، «نسل ما در مقایسه با پدر و مادران خود آینده سخت تری پیش رو دارد. این پدیده غیر عادی است چرا که آینده باید قاعدتاً بهتر از گذشته ها باشد.» (۷)

هنوز ناآرامی های آتن بطور کامل فرو ننشسته بود که تظاهرات خشونت بار دیگری این مرتبه در روسیه سر بر آورد. دلیل این تظاهرات تعلق گرفتن حقوق گمرکی بالا به اتومبیل های وارداتی دست دوم بود. ولادیمیر پوتین در تلاش برای حفاظت از صنعت ضعیف اتومبیل سازی داخلی، به ماشین های وارداتی مالیات بیشتری بست و همین امر هم باعث خشم کسانی شد که از راه تجارت ماشین های دست دوم زندگی خود را می گذراندند و هم بسیاری دیگر که چنین ماشین هایی را به اتومبیل های گرانتر ساخت روسیه ترجیح می دادند. رانندگان در شهر ولادیوستوک و ۳۰ شهر

دیگر به تظاهرات غیر مجاز علیه تعرفه های جدید گمرکی دست زدند و در برخی شهر ها جاده های اصلی را سد کردند.

از ولادیوستوک تا پورت او پرنس، در همه جا مردمی خشمگین

تا آغاز سال ۲۰۰۹ اینگونه تظاهرات اقتصادی به برخی از مناطق اروپای شرقی و روسیه گسترش پیدا کرده بود. بطور مثال در روز های بین ۱۳ تا ۱۶ ژانویه، در شهر های ریگا پایتخت لاتویا، صوفیه پایتخت بلغارستان و ویلنیوس پایتخت لیتوانی، تظاهرات ضد دولتی و زد و خورد های خونین بین مردم و پلیس در گرفته بود. هر چند جرقه های اولیه هر یک از این تظاهرات خاص خود بود اما تمام آنها انعکاسی از هراس از فروپاشی اقتصاد جهانی، خشم نسبت به از دست دادن کار و مزایای شغلی، و بی اعتمادی نسبت به دولت ها و عدم لیاقت آنها در بهبود بخشیدن به اوضاع بود.

هر چند که بیشتر این ناآرامی ها برخاسته از اتفاقات و تغییرات روزمره نظیر بسته شدن یک کارخانه محلی، اعلام برخی سختگیری ها از سوی دولت، و یا بالا رفتن بهای بلیط اتوبوس تلقی می شود اما در این میان یک سلسله عوامل بنیادی نیز در کار است. جامعه جهانی از جنگ دوم جهانی به این سو بارها چنین بحران های اقتصادی را از سر گذرانده است اما هر بار توانسته در عرض یکی دو سال خود را از آن بیرون کشیده و به دور تازیه ای از رشد اقتصادی دست یابد. این بار اما بسیاری در مورد اینکه بهبود اقتصادی به این زودیها بار دیگر ممکن شود، تردید دارند و تازه معلوم نیست چنین بهبودی از نوع شکوفایی هایی باشد که شامل حال تمام جمعیت جهان می گردد.

پاکستان یکی از کشور هایی است که در اثر همین بحران جهانی با هرج و مرج اقتصادی در سطح وسیع روبرو شده است. هر چند که نیرو های نظامی امنیتی آمریکا تمایل دارند که گناه مشکلات کنونی پاکستان را به گردن طالبان و القاعده ببندازند اما وضعیت متزلزل و رو به خرابی اقتصاد پاکستان توجه ناظرین دیگری جلب کرده است. نیال فرگوسن تاریخدان دانشگاه هاروارد در مجله «سیاست خارجی» می نویسد، «طبقه متوسط کوچک اما پر قدرت پاکستان از سقوط بازار بورس آن کشور ضربه خورده است. در همین حال بخش عظیمی از جوانان این کشور با مشکل بیکاری روبرو هستند. چنین اوضاعی نمی تواند زمینه مناسبی برای ثبات سیاسی تلقی شود.» (۸)

چنین خطراتی در کمین بسیاری از کشورهای نفت خیز نیز هست. این کشور ها تا پیش از بحران اقتصادی حاضر مدتها از مواهب قیمت بالای نفت بهره مند می شدند اما بعدها درآمد ملی آنها بیکباره تقلیل یافت. این کشور ها مادامی که قیمت نفت بالا بود قادر بودند از طریق ریختن پول در طرح های عمرانی، به گروه ها و بخش های وفادار به خود پاداش دهند و با تقویت نیرو های امنیتی، همزمان مخالفین را نیز به عقب برانند. اما امروز با توجه به قیمت پایین نفت نسبت به سال گذشته، این رژیم ها کمتر قادر به دادن پاداش به دوستان و بودجه های کلان به نیرو های امنیتی خود هستند. با توجه به کاهش درآمد اقشار مختلف، افزایش احتمال ناآرامی های داخلی اجتناب ناپذیر است.

بحران اقتصادی حاضر باعث بیکاری های روز افزون و نزول قدرت خرید مردم برای مواد غذایی شده است. به پیش بینی بانک جهانی، در گزارش بد شگونی که برای نشست وزیران اقتصاد کشور های جی ۲۰ در مارس ۲۰۰۹ تهیه کرده بود، بحران اقتصادی کنونی، امسال ۴۶ میلیون نفر دیگر را به کام فقر خواهد راند و در معرض خطرات بد غذایی قرار خواهد داد. (۹) ذخایر غذایی نیز بنوبه خود گرفتار مشکل هستند که دلیل آن خشکسالی های بیسابقه در آرژانتین و استرالیا و شمال غرب چین و غرب ایالات متحده و بخش هایی از خاورمیانه است. در چنین شرایطی تعجبی ندارد اگر شاهد انفجار خشم و سراسیمگی مردمان گرسنه باشی که قادر نیستند برای خود و خانواده های خود غذای کافی بیابند.

تصویر کلی اوضاع بقدر کافی گویاست: ترکیب سقوط دائمی وضعیت اقتصادی با شکاف های موجود قدیمی، و نظر منفی همگانی مبنی بر ناتوانی سیستم های موجود در بهبود بخشیدن به اوضاع، معجون کشنده ای از هراس ها و نگرانی ها و خشم ها ایجاد کرده است.

(۱) نگاه کنید به «تورم قیمت مواد غذایی و شورش ها، رهبران جهان را نگران ساخته است.» وال استریت ژورنال، ۱۴ آوریل ۲۰۰۸. و نیز «شکم های خالی و بالا گرفتن خشم در سراسر جهان»، مارک لیبی، نیویورک تایمز، ۱۸ آوریل ۲۰۰۸

(۲) بانک جهانی: آینده اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۹، نقطه عطف مایحتاج عمومی، واشنگتن، بانک جهانی، ۲۰۰۹، ص ۶۳-۶۱

- « (۳) بحران غذایی: تا چه اندازه بدتر خواهد شد؟» بی بی سی کارائیب، ۳۰ آوریل ۲۰۰۸
- « (۴) فصل ناآرامی ها و تظاهرات هندوستان را در خود می برد.» هیر تیمونز، نیویورک تایمز ۲۹ ژوئن ۲۰۰۸، و نیز «بزرگترین قبیله ی آسام به جنگ مسلمانان خود می رود.» اکونومیست، ۹ اکتبر ۲۰۰۸
- « (۵) مهاجرین چینی شماره ی نجومی بیکاری ها را بچشم خود می بینند.» یان جانسون و آندرو باتسون، واشنگتن پست، ۳ فوریه ۲۰۰۹
- « (۶) جمع کارآمد رادیکال های دانشگاه آتن»، نیویورک تایمز، ۱۵ دسامبر ۲۰۰۸
- « (۷) تشییع جنازه ها باعث ناآرامی های بیشتر می شود «دونادیو و کاراساوا
- « (۸) محور ناآرامی» نیال فرگوسن، فارین پولیسی، مارس/آوریل ۲۰۰۹، ص ۵۸
- « (۹) شنا در خلاف جریان: کشورهای در حال توسعه چگونه با بحران جهانی اقتصاد برخورد می کنند.» کارمندان بانک جهانی، ۱۴-۱۳ مارس سال ۲۰۰۹